

الگوی قهرمانی در ایران پیشرفته با تکیه بر سنت ایرانی-اسلامی

خلیل حکیمی فر^۱

عبدالقیوم راهبری^۲

چکیده

بنا بر اسناد بر جای مانده در ایران باستان ورزش با مسئولیت اخلاقی همراه و همزاد بوده است. به گونه ای که ایرانیان به نتایج اخلاقی پرورش بدنی توجه داشتند و معتقد بودند که ورزش افزون بر تأمین تندرستی و نیرومندی، باید در پرورش صفات نیک، شجاعت، جوانمردی و تواضع و ظلم ستیزی نیز مؤثر باشد. با توجه به این پرسش که بهترین الگوی اسلامی-ایرانی برای چهره های شاخص و قهرمانان ورزشی امروز چیست و خود این افراد بایستی دارای چه ویژگی های اخلاقی و ارزشی باشند تا بتوانند به عنوان الگوی جوانان نقش بایسته خود را ایفا کنند، این مقاله به بررسی ویژگی ها و منش های شاخص پهلوانی در ایران پیش و بعد از اسلام می پردازد. در پاسخ به سوال مذکور و با بررسی تطبیقی و تحلیلی این فرضیه مورد ارزیابی قرار می گیرد که بر اساس سنت ایرانی- اسلامی ارزش هایی چون: داد مردمی، راستی، باورمندی، پایبندی به پیمان، جوانمردی، رادمردی، پرهیز از فریب و دروغ، پیراستگی از آز و خودپسندی، بیزاری از ترس و زبونی و میهن دوستی از جمله سنجه های پهلوانی به شمار می رود. در نتیجه پهلوان و جوانمرد باید هم جنبه جسمانی و هم بُعد روحانی و معنوی را در خود پرورش دهد تا بعنوان الگوی برتر برای قهرمانان و به اصطلاح سلبریتی های ورزشی معرفی شود.

کلید واژه ها: ایران، اسلام، الگو، پهلوان، قهرمان

مقدمه

سنت ها، آیین ها، آثار ماندگار و جاودان هر سرزمینی بیان کننده تاریخ و فرهنگ و نشان دهنده اهمیت و دارای اثرات مفید ارزش های فردی و اجتماعی است. قدیمترین شیوه تربیت ملی و اجتماعی ایرانیان را می توان تربیت رادمردی یا پهلوانی یا قهرمانی نامید که مؤثرترین و بلکه واقعی ترین نمونه مردانگی در نظر جوانان همانا قهرمانان ملی بوده و قهرمانانی که حسن اخلاق و عفت و هوش و ذکاوت و شهامت را با زیبایی و سلحشوری و چالاکی توأم می داشتند مورد توجه عامه بوده اند. هدف از این تربیت اخلاقی این بود که جوانان را صاحب روح پهلوانی و جوانمردی که پایه اخلاقی سالم است بنماید. آیین پهلوانی در تاریخ فرهنگ ایران معجونی است از جوانمردی، فروتنی، چشم پآکی، بزرگمنشی و دیگر سجایای اخلاقی و اجتماعی. این آیین در طول تاریخ به شکلهای مختلفی چون فتوت، عیاری، شاطری و ... آداب جوانمردی و فروتنی را آموزش داده و با فرهنگ و تاریخ ایران پیوندی وثیق یافته است. محتوای داستان های اساطیری و باستانی در ایران نشانگر این است که دلاوری، پهلوانی، راستی و

^۱ . عضو هیات علمی گروه ادیان و عرفان دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان kh_hakimifar@theo.usb.ac.ir

^۲ . دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان دانشگاه سیستان و بلوچستان
rahbari7191@gmail.com

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پشورانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

جوانمردی از ویژگی های اساسی و بنیادین ایزدان، خدایان و پهلوانان به شمار می آمده است. بر این اساس شیوه تربیت فرزندان بگونه ای انجام می شد که این ویژگی ها را بار آورد.

با توجه به ویژگی های پهلوانی که در ایران پیش و پس از اسلام در اسناد تاریخی و فرهنگی وجود دارد می توان با استفاده از این اسناد الگویی شایسته برای قهرمانان ارائه کرد. در این راستا، پژوهش حاضر متکفل پاسخ به این پرسش هاست که آیین پهلوانی در تاریخ و فرهنگ ایران دارای چه شاخصه هایی بوده و چگونه می توان آن ویژگی ها را برای قهرمانان امروزی به کار برد؟ در واقع اگر این ویژگی های بومی ایرانی و اسلامی برای قهرمان و مردم معرفی و تشریح شوند، بالطبع می توان از قهرمانان در عرصه های مختلف این انتظار را داشت که خود را با این الگوها وفق دهند، و از دیگران این انتظار را داشت که این الگوها را معیار سنجش قرار دهند.

پیشینه تحقیق:

در زمینه آیین پهلوانی و اخلاق قهرمانی پژوهش های متعددی صورت گرفته و صاحبان این آثار بیشتر به توصیف این ویژگی ها بطور کلی و یا با تکیه بر شاهنامه پرداخته اند که از جمله این آثار می توان به موارد زیر اشاره کرد. احمدی و فرامرزنسب در مقاله "ویژگی پهلوان در شاهنامه فردوسی" (۱۳۹۵) و رضانی نژاد در مقاله "مقایسه صفات اصلی پهلوانی در شاهنامه" (۱۳۸۵) به خصایص و ویژگی های انسانی و اخلاقی و ملی و میهنی پهلوانی پرداخته اند. پرویز البرز در کتاب "شکوه شاهنامه در آیین ی تربیت و اخلاق پهلوانی" (۱۳۶۹) ویژگی های اخلاقی و تربیتی و هنرهای پهلوانی را بر مبنای روایت صریح شاهنامه توصیف می کند. وکیلی در کتاب ارزشمند خود با عنوان "اسطوره شناسی پهلوانان ایرانی" (۱۳۸۹) در مورد چگونگی ابر پهلوان شدن شخصیت های اساطیری و زندگی نامه آنان مطالعه در خور توجهی انجام داده است.

پهلوان

واژه پهلوان از دو بخش « پهلو» و «-ان» نسبت (pahlaw+an) ترکیب یافته و هم خانواده با واژه فارسی میانه پهلویک و فارسی میانه مانوی phlw"nyg است (مکنزی، ۱۲۶، ۶۴) داعی الاسلام ریشه لفظ «پهلو» را از لفظ سنسکریت «بله» می داند به معنی قوت و لشکر و پهلوان را نیز از همان واژه به شکل «بلوان» به معنی قوی و زور آور می داند (داعی الاسلام، ۱۳۶۲: ۱۳۵/۲-۱۳۴). (اکبریور، ۱۳۹۶، ۲۳). دهخدا پهلوان را سخت توانا و دلیر و زورمند بمناسبت دلیری قوم پارت می داند و پهلوان به معنی سخت زورمند و توانا و دلیر قوی جته و بزرگ و درشت اندام است (دهخدا، ۱۳۳۸). پهلوان عنوان مردان دلیر و توانا، سپاهیان جنگاور، یلان کشتی گیر و مردان اهل زور بازو است از دیرباز نام آورترین پهلوان پهلوانان را با لقب «جهان پهلوان» یا «پهلوان جهان» می نامیده اند. اسامی و صفاتی که برای پهلوان و قهرمان ذکر شده عبارتند از: قهرمان، گو، گرد، دلیرمرد، جوانمرد، دلاور، آزاده، راد، رادمرد، راستار، نژاده، راست، یل، پرویزه، شهنسوار، توانا، آزادمرد، هژیر، نامور، اردشیر، نام بردار، نیو، نیوزاد، رتهشتار، بهادر، نامدار، آریا، هورچیترا، پهلو، پهلوان، نبرده، شیر گیر، شیردل و غیره در واقع همین اسامی پهلوانی در دوره های بعد و حتی دوره ایران اسلامی شکل های مختلفی از جمله عیار، جوانمرد و فتوت، شاطر و کشتی گیر به خود گرفته است (بیژن، ۱۳۵۰، ۶۷).

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در واقع پهلوان کسی است که علاوه بر نیرومندی و داشتن قوای جسمانی فوق العاده که با بهره گرفتن از توان معنوی در جریان سلوک درونی؛ خود را از چنبره تعلقات دنیوی و هوای جسمانی برهاند تا به تولدی دوباره دست یابد و به مقام دل منزلت جوانی دست یابد. پهلوانان ایرانی هم در کسب فضائل اخلاقی و هم در کسب توانایی و رسیدن به اهداف نظامی و اجتماعی می کوشیدند. بی تردید در ایران باستان ورزش با مسئولیت اخلاقی همراه و همزاد بوده است. به سخن دیگر تمام کسوت های پهلوانی در ایران بر پایه اصول اخلاقی فتوت بنا نهاده شده است به گونه ای که ایرانیان به نتایج اخلاقی پرورش بدنی توجه داشتند و معتقد بودند که ورزش افزون بر تأمین تندرستی و نیرومندی، باید در پرورش صفات نیک و شجاعت، جوانمردی و تواضع و ظلم ستیزی نیز مؤثر باشد. این خصلت ظلم ستیزی در قاموس پهلوانی از دیرباز در ایران از اصول و شرایط مقام پهلوانی بوده. پهلوانان تنها به زور بازو برای کسب عنوان پهلوانی بسنده نمی کردند، بلکه همان طور که اشارت رفت معتقد بودند پهلوان باید نیرومند و صاحب معرفت، جوانمرد، فداکار، نوع دوست، ایزدپرست و ظلم ستیز باشد. پهلوانان ایرانی با همین ویژگی ها در جوانمردی، سرآمد بوده اند (عیسوی، ۱۳۹۴، ۱۴۹-۱۴۸).

مولانا واعظ کاشفی سبزواری، دانشمند قرن نهم و دهم هجری، در فتوت نامه سلطانی خصوصیات پهلوان واقعی را عبارت از این می داند که؛ اول: خداترس است. پهلوان باید خشیت از خدا داشته باشد، به جهت این که هم علم در این صفت دارد و هم قوه قدرت، که بدون ترس از خدا، مایه فساد و شر است. دوم: متابعت از شرع دارد، سوم: تن قوی است، چهارم: زبان خوش دارد، پنجم: دل دلیر، تن قوی دارد، جان و روان قوی و ظرفیت بسیار که از حرف سخت و درشت جاهلانه، از کوره در نمی رود و متابعت هوای نفس ندارد، که مبدا بر این سبیل به دیگران آسیب رسد. ششم: از خرد کامل برخوردار است، هفتم: صبری تمام دارد، هشتم: از علم به کمال بهره مند است، نهم: تلاش و کوشش دائم دارد، دهم: دارای خلعتی پسندیده است، یازدهم: از حرام دوری می کند و خویش از محرّمات می پوشاند و از محرّمات الهی اجتناب می ورزد، دوازدهم: نعمتی بر دوام دارد. بی گمان مفهوم پهلوانی در تاریخ ورزش، بازی جوانمردانه است، زیرا پهلوانی آمیخته ای متعادل و متوازن از نیروی جسمانی، تربیت نفس و خردورزی می باشد (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، ۱۸).

اگر شاه در باور ایرانیان نماد قدرت باشد، پهلوان نماد قدرت پاک است. قدرتی مهار شده به وسیله دو عامل اصلی مهارکننده قدرت یعنی خرد و اخلاقیات، هر چند که پهلوانان بزرگ حماسه های ملی ایران از اشتباه و گناه مبرا نبوده اند و چه بسا اشتباهات آنها گاه پیامدهای ناگواری هم به بار آورده باشد اما قیاس دلاوری ها و رادمردی های فراوان ایشان با اشتباهات اندکشان بر پاکی قدرت پهلوان ایرانی مهر تأیید می گذارد. شاهرخ مسکوب تصویری دلنشین و حماسی از پهلوان ایرانی را به هنگام قیاس عارف و هم پهلوان نمایان می سازد. با توجه به نظریات فلاسفه و بزرگانی چون برتراند راسل و کارل گوستاو یونگ خردورزی و اخلاقیات دو عامل اصلی مهارکننده قدرت هستند به طوری که اخلاقیات، خرد را پشتیبانی می کند و ضامن و عامل اساسی در مهار قدرت در همکاری تنگاتنگ با خرد است، پهلوان ایرانی هم خردمند است هم اخلاق گرا (هراتی، ۱۳۹۶، ۸۴).

ویژگی های پهلوانی در ایران قبل از اسلام

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی میثرت؛ الگوی میثرت؛ پشورانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

در دوره اسطوره ای، پهلوانان انسان هایی بوده اند که بر زمین بوده اند اما به دلیل پیروی از اصل بنیادی "اشه" دارای فره ایزدی شده و تبدیل به قهرمانان و سپس خدایان شده اند. در این دوره پهلوانان به عنوان الگو و راهنما برای انسان ها مطرح می شدند و انسان ها که دارای اصل اختیار بودند می توانستند بر اساس این الگوی شریف زندگی کنند. ویژگیهایی چون دلاوری، راستی و جوانمردی از ویژگی های اساسی ایزدان، خدایان و پهلوانان بوده و در میان شخصیت های اساطیری، شاه-پهلوانان نزدیکترین موجودات به ایزدان تلقی می شدند، در صورتی که شاه - پهلوان به کرداری ضداخلاقی مرتکب می شد یا گناه می کرد، نقش خویش را به عنوان حامی ارزش های اخلاقی و رهبر سپاه نیکی در برابر شر از دست می داد و به این ترتیب فره از وی جدا می شد. چنانچه جمشید و کیکاووس، که باشکوه ترین شاه- پهلوانان هستند بخاطر گناهی که مرتکب می شوند فره ایزدی را از دست می دهند. (وکیلی، ۱۳۸۹، ۳۷۰). بر خلاف شاه-پهلوانان خداگونه کسانی که دارای تبار یا سرشت اهریمنی می شدند، خویشتن را از سرشت اهورایی محروم می کردند،

زمانی که فره ایزدی از جمشید دور می شود ضحاک بر او غلبه پیدا می کند و با خوردن گوشت صفات اهریمنی در او بوجود می آید و بیشتر منابع کهن، زینکاری او را ناشی از خوی و سرشت پلیدش دانسته اند. اما در مقابل جمشید و ضحاک کیخسرو نمونه ای از شاه آرمانی و حاکم مقدس در ایران باستان بوده است. تداوم نام او در میان مردم ایران زمین نشان از محبوبیت وی می دهد و بخاطر صفات اهورایی و اخلاقی این شاه - پهلوان است که زندگی و مرگ این شهريار استثنایی شده است و حمایت یزدانی پیوسته راهگشا و چاره ساز او بوده، در یشت ها نیز " فروهر کیخسرو" به عنوان دلاورترین و شریف ترین کس ستوده می شود و در واقع کیخسرو نمونه کامل رهبری است که زندگی کوتاه او با آثار اخلاقی و تربیتی ژرف و پایداری همراه است و سرانجام به گونه ای شگفت انگیز ناپدید می گردد و بنابر اساطیر، در پایان جهان برای از نو آراستن زمین باز خواهد گشت و جاودانه به سلطنت خواهد رسید.

در واقع مهمترین ویژگی های شاه - پهلوانان از زمان جمشید تا کیخسرو این بود که آنان در پی ستاندن حق یا خونی هستند. از طرفی وفای به عهد و احترام به ارزش ها از ویژگی های برجسته اخلاقی آنهاست. سیاست و مملکت داری از خصلت های آنان است و در پی کشمکش هایی که بین ایران و توران رخ می دهد هر کدام از شاه -پهلوانان و ابر پهلوانان مانند آرش و یا پیران حتی با وجود از دست دادن زندگی و جان شان به میهن خود وفادار بوده اند. از دیگر صفات بارز آنان خردمندی آنهاست وقتی پهلوانی از خرد کافی برخوردار نباشد به طرف صفات ناپسند و مذمومی که از صفات اهریمنی است از جمله خشم، سرسختی و بی رحمی، پیمان شکنی، اثر پذیری و افسونکاری از ویژگی های ضد اخلاقی ای است که سرانجام به کیفر آن ها دچار می شوند. چونان همه آدمیان برای پهلوانان نیز دو نیروی اهورایی و اهریمنی وجود دارد، اما محور اقتدار آنان فره ایزدی بوده و زمانی که مرتکب خطا می شدند فره از آنان باز ستانده می شد. چنانچه شاه- پهلوان به خاطر قابلیت هایی که داشته همواره بر طریق اشه زندگی کند، نامیرا می گردد. در همه حال، چشم امید پاکدامن شهريار، به دادار یکتای مهربان است و در آغاز و انجام هر کار خدا را یاد می کند و از او یاری می جوید. یکی از این شخصیت ها که جاودانگی پیدا کرد و تا ابد جاویدان شد و به صورت زنده از نظرها پنهان شد، کیخسرو است که به روایتی به خواب فرو رفته و وقتی زمان کرانمند به پایان برسد، برمی خیزد و به سوشیانس در رهندن گیتی یاری می رساند. (وکیلی، ۱۳۸۹، ۳۳۲-۲۸).

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

همچنین رستم، جهان پهلوان اساطیری ایران به عنوان شخصیتی یزدان شناس، وطن خواه، نیرومند، جوانمرد، دادگر و خلاصه بزرگ و احترام آمیز و آراسته به انواع هنرهای پهلوانی، و پیوسته در نقش شخصیتی نجاتبخش در شاهنامه ظاهر می شود، نقش رستم در سرنوشت ایران و شاهان ایران تا بدانجاست که تاجورانی چون کیخسرو دست نیایش به درگاه یزدان پاک بر می دارند و به جان او دعا می کنند.

در عهد کیانی، که مبنای دوره پهلوانی و مهد پرورش بزرگترین یلان و پهلوانان حماسه ملی ایران است، آموختن فنون پهلوانی و تعمیم خلق و خوی جوانمردی و عیاری، از ارزش و اعتبار ویژه ای برخوردار بوده است. مهمترین چهره حماسی این دوره رستم است که در شاهنامه منعکس شده است. از مهمترین ویژگیهای او این است که او در فراز و فرود زندگی همواره دست نیایش به درگاه دادار یکتا بر می دارد و پیوسته به یاد و نام خداست. رستم نیروی بازوی خویش را در گرو اراده خدا می بیند و پیوسته جایگاه راستی و راستکاری را به یلان و دلاوران یادآور می شود. او پهلوانی است که با وجود عظمت و محبوبیت خویش دچار غرور نمی شود و خردمندی کار آزموده است که از هر فرصتی برای اندرز به بزرگان و نام آوران ایران سود می جوید حتی وقتی کیخسرو برخلاف آیین و راه تاجوران برای نبرد پشنگ بسیج می شود، زبان پند می گشاید و شهريار ایران را از این کار منع می کند. با این وجود جهان پهلوان با داشتن والاترین موازین اخلاقی و پهلوانی، از لغزش های انسانی نیز مبری نیست. رستم پس از پیروزی شگرفی که در جنگ با پادشاه هاماوران به دست می آورد و تاج و تخت شاهی را به کاووس باز می گرداند، لقب "جهان پهلوانی" را دریافت می دارد. و بر این اساس معلوم می شود اصل و منش و سنجه پهلوانی به نام و نشان نیست. او دشمن بدی و بیداد است و گذشت و پرده پوشی، کرامت و والا نگری، بزرگواری، دادخواهی، شکیبایی، پندآموزی و تکیه بر شرافت و غیرت و جوانمردی از دیگر ویژگی های اوست (البرز، ۱۳۶۹، ۱۵۳-۱۲۹).

تا اینجا می توان خصوصیات پهلوانی در ایران پیش از اسلام را از این قبیل دانست که پهلوان به کسی گفته می شد که از هموطنان و هم کیشان خود دفاع کند، راست بگوید، اگر کسی به او پناه آورد جانش را در پاسداری از پناه آورنده نثار کند، سخی و کریم باشد، به ناموس کسی دست درازی نکند، دست، چشم و زبان او پاک باشد، به قولش صادقانه عمل کند و وفادار به پیمان باشد. (عیسوی، ۱۳۹۴، ۱۵۰).

در شاهنامه از جمله صفات بارز و پسندیده پهلوان را شبیخون نزدن می داند چنانکه در مورد جنگ اشکانیان و رومیان آمده، اشکانیان برای آن که خواب را دهش و نعمت خداوند می دانستند حاضر نشده اند شبانه جلوی کراسوس را بگیرند در حالی که می دانستند فرار می کنند. بر پایه همین اندیشه در چند جای شاهنامه نیز شبیخون نزدن را صفت ناجوانمردان می داند:

کسی کو بلا جست، گُرد آن بود

شبیخون، نه کردار مردان بود

شبیخون نسازند گُندآوران

کسی کو گراید به گرزگران (شاهنامه، ۱۳۸۶: ۵۱۶/۱)

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پشوران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

پهلوان معمولاً با نیروهای فراطبیعی و جریان‌های جادویی و توضیح‌ناپذیر و غیر روزمره پیوند خورده است. او ارتباطی نزدیک و ویژه با نیروهای قدسی و عناصر دینی پیدا می‌کند و به نوعی اتصال کوتاه با خدایان دست می‌یابد. پهلوان به دلیل پایداری اش در رعایت اصولی خاص و سرسختی خویش برای وفاداری به چارچوبی اخلاقی، از آدمیان معمولی متمایز است. اعمال و رفتار او بگونه ایست که هستی را دچار دگرگونی آشکار می‌کند و به این ترتیب رفتارش تا حدودی با اساطیر آفرینش پیوند می‌خورد. پهلوان همان کسی است که کاری را به انجام می‌رساند که نظم امروزی حاکم بر گیتی، انعکاسی از آن است (وکیلی، ۱۳۸۹، ۱۵).

یکی از ورزش‌هایی که از پهلوانی سرچشمه گرفته کشتی‌گیری است. کشتی‌نیز از مفاهیمی است که با پهلوانی گره خورده است. در لغت نامه دهخدا ذیل واژه کشتی اینگونه توضیح داده شده است: «به هم آویختن و پیکار کردن تا یکی دیگری را بر زمین زند، زورآزمایی کردن، بند گرفتن، به هم پیچیدن». اینجا آوردن دو معنی «زورآزمایی کردن» در مفهوم نبرد و دیگری «بند گرفتن» بی دلیل نیست. اگر واژه کشتی به معنی نبرد کردن و کوشیدن و زورآزمایی کردن گرفته شود در این صورت از صورت ضعیف ریشه *-kaušv / kuš* در معنی کوشیدن و نبرد کردن است.

اما این واژه و اصطلاح قدمتی طولانی در تاریخ و آیین ایرانیان دارد. «کشتی بستن باوری دیرینه است که مفهومی کاملاً نمادین و دینی دارد. کشتی، بند بندگی خداوند است. این شال و کمر بند، رشته‌ای است که تمام پیروان آیین مزدیسنا را به هم گره می‌زند و ارتباطی معنوی و روحانی میان آنان برقرار می‌سازد. این همه را فرمانبردار و بنده پروردگار می‌سازد» (باستانی راد و دیگران، ۱۳۸۶، ۲۴۳-۲۴۲).

لازم به ذکر است که کُستی یا کُستی، که از ماده "کُست: *kost*" در پهلوی به معنی طرف، سوی کنار مشتق شده و عبارت بوده از بندی سفید و باریک و بلند که از هفتاد و دو نخ پشم گوسفند - به عدد هفتاد و دو فصل یسنا - تابیده می‌شد. هر شاخه از این رشته‌ها شامل دوازده نخ - اشاره به دوازده ماه سال و مجموعاً شش رشته اشاره به شش گاهنبار دوازده تایی است. هر زرتشتی پس از هفت سالگی از پوشیدن سدره، که جامه پارسایی و پرهیزگاری است، و از بستن کستی که به منزله بند بندگی خداوند و سه بار به دور کمر بستن کستی، که به نشانه سه اصل گفتار نیک، اندیشه نیک و کردار نیک ناگزیر است. (عیسوی، ۱۳۹۴، ۱۹۵-۱۹۴). تعبیر کشتی گرفتن از آن رو به این ورزش منسوب شده که پهلوانان هنگام دست و پنجه نرم کردن با هم کمرگاه یک دیگر (دوال کمر) را می‌گرفته اند و از آن جا که هر کدام از پهلوانان کشتی (دوال کمر) دیگری را می‌گرفت، کشتی هم را گرفتن، بر روی این نبرد تن به تن باقی ماند چنان که فردوسی نیز به درستی این موضوع را خاطر نشان کرده است:

به کشتی گرفتن نهادند سر گرفتند هر دو دوال کمر (اکبر پور، ۱۳۹۶، ۲۳).

هرچند که فلسفه اصولی ورزش بر تزکیه تن و روان و دست یافتن به سجایای کامل انسانی و جوانمردی مبتنی است، با این وجود چه بسا ورزشکاران و استادانی که از نظر نیرومندی تن سرآمد بوده اند ولی نتوانسته اند به درجه کمال معنوی و جوانمردی برسند و به کسب مقام پهلوانی مفتخر گردند. پهلوانی در ایران باستان مکتبی است معنوی که جز نیرومندی تن هدف‌های والاتری را دربر داشته و بر پایه علمی و فلسفی قرار دارد که مستلزم کمال معرفت،

هشتمین کنگرۀ اسلامی الگوی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پشورانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

سجایای اخلاقی، جوانمردی، میهن پرستی و دستگیری از درماندگان است. زور بازو و نیرومندی پهلوانان برای آن بوده تا بتوانند در راه حق و عدالت به کار برند و نیکان را در مبارزه با بدان یاری کنند. چنانکه زرتشت بزرگ در اوستا می فرماید: " ما یاران خداییم و باید اهورامزدا را در جنگ با اهریمن یاری کنیم، تا اهورامزدا بر اهریمن غلبه کند." (حکمت، ۱۳۵۰، ۳۰۲).

استادی و تکامل فن کشتی آخرین مرحله نیرومندی برای رسیدن به مقام پهلوانی است. کشتی گیران تمرین های بسیار می کردند تا نیرومند شوند و در آزمایش ها پیروزمند گردند و خود را به زیور اخلاق و معرفت و جوانمردی بیارایند تا شایستگی نام پهلوانی را بدست آورند. (بیژن، ۱۳۵۰، ۵۶).

ویژگی های پهلوانی در ایران بعد از اسلام

۱- در سخنان امام علی (ع)

در اسلام درست مانند آن چه در مورد ویژگی های پهلوانی و جوانمردی ذکر شد نیروی بدنی و تقویت جسمی بدون ایمان ارزشی ندارد. در واقع قهرمان کسی است که در صحنه مبارزه حق و باطل بی تفاوت نباشد. او همان گونه که موظف به حمایت از ضعفا و ستمدیدگان و مبارزه با ظالمان و زورگویان است، خود نیز نباید خدای ناکرده از قدرت خود برای زورگویی سوء استفاده نماید. در زندگانی امام علی(ع) و یارانش این نکته به شکل تمام عیاری جلوه گر است که هرگز از قدرت خود برای زورگویی بهره نبردند و تا می توانستند در جهت احقاق حق ضعفا و ستمدیدگان مبارزه می فرمودند. یکی از صفات قهرمان با ایمان، تقوا و پرهیزکاری است. معیار ارزش در نزد خداوند کریم چنین است: گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست. پیامبر (ص) می فرمایند: شخص با ایمان قوی و نیرومند، از شخص باایمان ضعیف، بهتر و دوست داشتنی تر است ایمان و تقوا در ورزشکاران باعث افتخار آنان است و تقوا آن ها را از بدی ها و پلیدی ها حفظ می کند. ویژگی دیگری که در اسلام بسیار حائز اهمیت است، تواضع و فروتنی است. در نهج البلاغه می خوانیم که " اخلاقش ملایم و برخوردش توأم با نرمش است دلش از سنگ خارا محکمتر و در پیشگاه خدا از برده ذلیلتر است"^۳. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ۳۴۸). امام علی(ع) این صفات را برای مردمان با ایمان و قهرمانان واقعی برشمرده اند و ایمان را با فروتنی و تواضع همراه و ملازم دانسته اند. تواضع موجب افزایش محبوبیت قهرمان در نزد مردم می شود و مقبولیت او را بالاتر می برد. چنین فردی لاجرم بر خشم و تندخویی خود غلبه دارد، چرا که بنابر تعالیم اسلام غضب و شهوت از بزرگترین مهلکات اخلاق انسانی است که می فرماید: «دشمن ترین دشمنان آدمی غضب و شهوت اوست. هر کس که بتواند این دو غریزه سرکش را مهار و مغلوب کند و آن ها را مطیع خود نماید، به مقام و بزرگی دست پیدا می کند و می تواند به اوج انسانیت برسد»^۴ (غررالحکم، ص ۴۹۸). از نظر امام علی(ع) خشم و تند خویی موجب فساد و تباهی عقل است و آدمی را از راه صلاح و صواب باز می دارد. خشم، چگونگی گفتار را تغییر می دهد، اساس استدلال را به هم می ریزد، تمرکز فکر را از میان بر می برد و فهم آدمی، را پراکنده می سازد و چون فروغ عقل از دست برود، شکست آشکار می شود. بسیار دیده شده است که قهرمان یا

^۳ - سَهْلُ الْخَلِيفَةِ لَيْنُ الْعَرِيكَتِ، نَفْسُهُ اَصْلَبُ مِنْ اَصْلِ دِو و هُوَ اَذَلُّ مِنْ الْعَبْدِ

^۴ - اَعْدَا عَدُوِّ الْبَرِّ غَضَبُهُ وَ شَهْوَتُهُ فَمَنْ مَلَكَهُمَا عَظُمَتْ دَرَجَتُهُ وَ بَلَغَ غَايَتَهُ.

هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پشوران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

قهرمانانی تیمی دستخوش احساسات شده و به این واسطه نتوانسته‌اند بازی را در اداره خود در آورند. همچنین یکی از تاکتیک‌های ورزشی، به راه انداختن جنگ روانی است که حریف می‌کوشد با عصبی کردن بازیکنان تیم مقابل و برانگیختن خشم آنان، کنترل بازی را از چنگ حریف خارج سازند و آنان را به اشتباهات مکرر وادار نمایند. برخورداری از شجاعت و شهامت نیز بعنوان معیار دیگر برای یک قهرمان مورد توجه بوده است. زیرا پیروزی‌ها در سایه جسارت و شجاعت شکل می‌گیرد. از نظر امام علی (ع) ترس، آسایش خاطر را برهم می‌زند و حقارت و پستی را که مقدمه ذلت است در روح آدمی شکل می‌دهد و موجب عدم ثبات و سستی در عمل می‌شود.

دور اندیشی و رعایت جوانب احتیاط و حفظ اسرار یکی دیگر از صفاتی است که لازمه قهرمانان است و در پیروزی‌ها نقش مهم و ارزنده ای ایفا می‌کند. «بی‌گدار آب زدن به» و نسنجیده خود را به مخاطره افکندن از صفات برازنده قهرمانان نمی‌تواند باشد. در این زمینه امام علی (ع) می‌فرماید: «پیروزی در پرتو تدبیر و احتیاط است، و تدبیر و احتیاط به تفکر است، و تفکر صحیح به نگهداری رازها است»^۵. (نهج البلاغه، سخن ۴۸، ۱۳۷۹، ۲۴۰) پرهیز از شتاب زدگی و سهل انگاری: از نادانی شخص، عجله کردن پیش از امکان و از دست دادن امکانات و سستی نمودن پس از فرصت است.^۶ (نهج البلاغه، سخن ۳۶۳، ۱۳۷۹، ۳۵۸).

قهرمان کسی است که در پی جلب ثناگویی مردم نباشد و هم و غم خود را مصروف شهرت طلبی‌های کاذب نکند. تمنای تمجید او را از چشم مردم می‌اندازد و مستی از تمجیدها و دغدغه شهرت طلبی موجب می‌شود که ذهن او به مسائل جانبی مشغول شده و از هدف اصلی بازماند. چرا که «تمنای تمجید نابجا از مردم داشتن نشانه ابله‌ی و حماقت است»^۷. (غررالحکم ص ۴۷۰)

حفظ حرمت مربیان و پیشکسوتان و لزوم بهره‌گیری از دانش و تجارب ارزنده آنان از واجبات و از اهم وظایف قهرمانان است. اهمیت این امر تا به آنجاست که امام علی (ع) در سخن دیگری می‌فرماید «هرکس حرفی به من بیاموزد مرا یک عمر بنده خود ساخته است». قهرمانان با رعایت احترام مربیان و پیشکسوتان علاوه بر آنکه باعث دلگرمی آنان می‌شوند، فوت و فن مبارزه و شگردهای پیروزی را از آنان می‌آموزند. همچنین قهرمانان باید در نظر داشته باشند که عاقبت روزی آنان نیز به این مرتبه می‌رسند و از هم اکنون خود را برای فردا و تربیت نسل‌های آینده آماده کنند.

پذیرفتن نتیجه عادلانه و اطاعت از داوری نیز یکی دیگر از ویژگیهای قهرمانان از دیدگاه حضرت علی (ع) است که می‌فرماید: "به شکست و مغلوبیتی که بر وفق انصاف و عدالت است تن بده و آن را برای خود برگزین"^۸ (شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۵۸، ک ۳۷). احترام به قضاوت داور و پذیرفتن نتیجه عادلانه مسابقه هرچند که ممکن است ناخوشایند و برخلاف میل باشد، اما از آنجاکه منصفانه است نباید از آن روی برگرداند (باستانی راد و دیگران، ۱۳۸۶، ۱۳۳-۱۲۸).

۵ - الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَالْحَزْمُ بِاجْتَالِ الرَّايِ بِتَحْصِينِ الْاسْرَارِ

۶ - مِنَ الْخُرْقِ الْمَعْجَلَتْ قَبْلَ الْامْكَانِ، وَالْاِنَاتُ بَعْدَ الْفُرْصَةِ

۷ - طَلَبُ الثَّنَا لِيُغَيِّرَ اسْتِحْقَاقِ خُرْقٍ

۸ - اخْتِرَ أَنْ تَكُونَ مَغْلُوبًا وَأَنْتَ مُنْصِفٌ

۲- در شاهنامه فردوسی

شاهنامه فردوسی که منابع آن آثار باستانی ایرانی می باشد سرتاسر شرح تربیت پهلوانی است که در شعر حکیم فردوسی با ذکر نام پهلوانان شاهنامه، همواره در بیان مرشدها و ورزشکاران و زینت‌های در و دیوار زورخانه تکرار می‌شود:

ز نیرو بود مرد را راستی ز سستی کژی زاید و کاستی

این بیت را می‌توان نماد و شعار بنیادین ورزش باستانی قلمداد کرد. اما سراسر شاهنامه، عرصه هنرهای پهلوانی و اخلاق جوانمردی و همواره مورد علاقه پهلوانان بوده است. در شاهنامه فردوسی برای پهلوانان ویژگی‌هایی ذکر شده است که از تفکر اسلامی و اعتقاد او به دین اسلام ناشی می باشد که نشأت گرفته از آموزه های قرآنی و سنت می باشد و شرح این ویژگی‌ها چنین است:

(۱) ویژگی‌های عقیدتی

براساس اشعار فردوسی در شاهنامه پهلوانان همگی موحد و ایزد پرست بودند و در امور کارهای خود به یاد خدا هنرنمایی می کردند و براساس یاد و معصیت الهی شمشیر می زدند و هرگاه به پیروزی و موفقیت در امور می رسند سر بر آستان ستایش یکتای بی همتا می ساییدند و خاضعانه در برابر او تضرع و زاری و شکر می نمودند و زیباترین ویژگی پهلوانان که در شاهنامه جلوه گری می نماید پرستش و نیایش پروردگار است چرا که آن ها به خوبی درک کرده بودند که نیرومندترین و با اقتدارترین قدرت دنیا خداست که همه باید در برابر او خاضعانه سر تسلیم فرود آورند و انسان جانشین خدا در زمین است. (سرامی، ۱۳۸۳، ۱۱۳).

قهرمانان و پهلوانان خداپرستانی هستند که در همه حال و با هر شرایطی در سختی ها و مصائب، در خوشی ها و عیش های خود لحظه ای از یاد خدا غافل نمی شوند و او را صاحب شوکت و نیرو و عظمت می دانند. این ویژگی‌ها ناشی از دیدگاه یکتاپرستی فردوسی می باشد که از آموزه های اسلامی درس گرفته و به خوبی در درون خود آن را هضم نموده و در شاهنامه اجرا نموده است. بندگی خدا در تمام اعمال پهلوانان شاهنامه موج می زند و آن ها با همه قدرت و وحشتی که دارند مغرور نمی شوند و از اطاعت خدا سرپیچی نمی کنند.

(۲) توکل بر خدا و اعتماد به او

یکی از صفات اخلاقی که هر انسانی باید داشته باشد، توکل و اعتماد به خداوند یکتاست. فردوسی در جاهای مختلفی از شاهنامه از توکل و اعتماد به خدا سخن گفته است، اعمال و حوادثی که در شاهنامه به دست پهلوانانی خلق و ابداع می شود منوط به لطف و عنایت خداوند می داند. پهلوان شاهنامه هم قدرت و نیروی خود را ناشی از توکل و اعتماد به خدا می دانند از جمله رستم که پهلوان قوی شاهنامه است به بزرگان و سران سپاه ایران توصیه می کند که پیروزی خود را از خدا بدانند و خود را خس و خاشاک به حساب می آورد.

(۳) پرهیز از غرور و تکبر

ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پشورانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دودم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

پهلوانان در شاهنامه از هر گونه تکبر و غرور خود را بری و پاک می کنند و عقیده دارند که برای پیروز شدن بر اهریمن ها در جنگ ها باید تکبر و غرور و منیت طلبی را از وجود خود دور کنند و دست به دامن ایزد منان گردند.

(۴) اعتقاد به مرگ و ناپایداری دنیا

پهلوانان شاهنامه به خوبی درک کرده بودند که دنیا ناپایدار است و از بین می رود و به جهان پس از مرگ اعتقادی راسخ دارند. و عقیده دارند که هیچ یک از آنان گریزی از مرگ ندارد و می دانستند که انسان قادر نیست در این دنیا بماند بلکه باید از این دنیا برود و به دنیای دیگر وارد گردد.

دم مرگ چون آتش هولناک ندارد ز برنا و فرتوت باک

درین جای رفتن نه جای درنگ بر اسپ فناگر کشد مگر تنگ (فردوسی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۰)

(۵) اعتقاد به قضا و قدر الهی

در سه تقدیر و سرنوشت جایگاه خاصی دارد. ماجراها و حوادثی که در شاهنامه در حال گذر است همه ناشی از تقدیر و نشانی از سرنوشت و تقدیر الهی دارد. قضا و قدر الهی یکی از آموزه های دین است که فردوسی در شاهنامه آن را در میان اشعار خود بیان کرده است.

(۶) صداقت و عدالت گستری

ارزش های اخلاقی که ریشه در فطرت انسان ها دارد و فطرت در همه انسان مشترک است، در پهلوانان شاهنامه نیز ارزش های اخلاقی مانند راستی و عدالت گستری موج می زند. از دیدگاه فردوسی پهلوانان شخصیت های کمال یافته هستند که همگی نیکوکار و عدالت خواه هستند و براساس راستی و انصاف عمل می کردند.

(۷) عدم تعدی و تجاوز به دیگران

از صفات پسندیده پهلوانان شاهنامه توجه به این نکته است که نباید به حقوق دیگران تجاوز کرد و حق و حقوق مردم را رعایت نمود. پهلوان شاهنامه سعادت و نیک بختی و نعمت ها را از آن همه انسان ها می داند و هشدار می دهد که احدی حق ندارد به حق دیگران تجاوز نماید.

(۸) عرفان و اعتکاف

پهلوان در شاهنامه گاهی اوقات دارای خوی عرفانی و اعتکافی دارند که نوعی دنیا گریزی در کار آنها نمایان می شود و از تعلقات دنیایی گریزان هستند و حالت عرفانی و روحانی به خود می گیرند.

(۹) اعتقاد به غیب

از صفات و خصوصیات پهلوانان در شاهنامه اعتقاد به غیب می باشد که از شروط متقین در قرآن در سوره بقره آمده است. پهلوانان شاهنامه مانند فردوسی موحد هستند و اعتقاد به غیب دارند.

(۱۰) ویژگی های ملی و میهنی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پشورانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

پهلوانان شاهنامه دارای ویژگی‌های ملی و میهنی خاصی هستند که در اشعار آن کاملاً پیدا و هویدا هستند مانند شاه پرستی، میهن پرستی، انتقام و کینه جویی، اطاعت و فرمان برداری، هنرنمایی (بدین معنا که موفقیت بر رقبای نیازمند هنرهای ظریف و خارق العاده می باشد نه ادعا و اظهار ظاهری بر قدرت بر بدنی)، کسب نام و نشان (چنان که داشتن نام و بزرگی نیازمند داشتن خصایص و صفاتی بود که پهلوانان سعی داشتند از اهریمن ها و انسان های دون صفت دوری کنند تا از این طریق به نام و بزرگی آن ها لطمه ای وارد نشود و با انجام کارهای انسانی و بلند همتی نام نیک و بزرگ کسب نمایند و نام و نشان را به تاج و تخت نمی دانستند)، سخن وری (چون که پهلوانان استاد اخلاق بودند و بهترین تدبیر و مشورت ها را در موقعیت های مختلف ارائه می کردند نیازمند فن سخنوری بودند)، چاره گری و تدبیر و شجاعت می باشد (احمدی، فرامرز نسب؛ ۱۳۹۵، ۵۷-۴۸).

۳- آیین فتوت در اسلام

در لغت عرب «فتوت» صفتی است مشتق شده از «فتی» که به معنای تازه جوان و نوجوان به کار می رود، یعنی کسی که روزگار شباب را آغاز کرده است. «فتی» به کسر اول جوان سال از هر چیز و «فتاء» بر وزن سماء جوانی و جوان شدن و جوانمردی نمودن است. همین کلمه به فتح اول و الف کوتاه در آخر، به معنی جوان و جوانمرد نیکوخواهی است. در جاهلیت عرب «فتوت» را مجازاً به معنی شجاعت و فتی را به معنی شجاع بکار می بردند (روحانی، ۱۳۷۵، ۵). در لغت نامه دهخدا ذیل این واژه چنین آمده: «فتوت، اسم مصدری است که صفت آن «فتی» به صورت فتیان، فتیه و فتیات به معنی جوان، غلام و کنیز در قرآن کریم به کار رفته است. فتوت مجموعه‌ای از فضایل است که اَهمّ آنها کرم و مروت و سخا و شجاعت است». و هر کسی که مظهر فتوب باشد او را فتی می گویند و فتی در اصل لغت جوان جوان را گویند. اما آن را بر کسی که به کمال فضائل انسانی رسیده باشد و از قید هوای نفس و آرزوی طبع بر آمده باشد و به کمالات انسانی و قوت های معنوی دست یافته او را فتی می گویند (کاشفی، ۱۱۳۰، ۱۷).

جوانمرد کسی است که راستی را در سه مقام شریعت و طریقت و حقیقت نگاه دارد. در میان پهلوانان، جوانمرد کسی است که صفای دل و معنویت را با نیروی جسمانی توأم سازد. به حکم قرآن و حدیث جوانمردان پنج تن بوده اند:

۱- ابراهیم خلیل الله، ۲- یوسف صدیق، ۳- یوشع بن نون، ۴- اصحاب کهف، ۵- سردار احرار علی مرتضی (ع). تفسیر مجمع البیان در ذیل آیات سوره کهف به توصیف فتوت اصحاب کهف می پردازد؛ کلمه «فتی» در قرآن کریم در سوره یوسف، آیه ۳۰ در مورد یوسف (علیه السلام) از آن جهت که تن به کار زشت نداد، در آیات ۱۰ و ۱۳ سوره کهف، در مورد اصحاب کهف که بر خدا مؤمن بودند و سر به پیش بت خم نکردند، در آیات ۶۰ و ۶۳ همان سوره در مورد یوشع (= یسع) که با موسی (علیه السلام) همراهی کرد و در سوره انبیا، آیه ۶۰ در مورد ابراهیم (علیه السلام) به کار رفته است.

خانم الانبیا (ص) در حق حضرت علی (ع) فرمود: أَفْتَاكُم عَلِيٌّ: جوانمردترین شما علی است. امیر مؤمنان فرمود: یا رسول الله، جوانمردی چیست؟ حضرت فرمود: شَرَفٌ يَّتَشَرَّفُ بِهِ أَهْلُ النَّجْدَةِ وَ السَّمَاخَةُ: جوانمردی شرفی است که اهل شجاعت و سخاوت بدو متشرف می شوند. پس گفت: وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ ابْنِ فَتَى وَ أَخُو فَتَى: ای علی تو پسر

ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

جوانمردی و برادر جوانمردی. امیر مؤمنان گفت: پدر و برادر من از جوانمردان کیست؟ رسول فرمود: پدرت ابراهیم است و برادرت من. جوانمردی من از ابراهیم است و فتوت تو از فتوت من. (کاشفی، ۱۳۵۰: ۱۹)

از نوشته های اسلامی بر می آید که این سنت را قدیم می دانستند، از جمله فتوت نامه سلطانی مبدأ فتوت و مظهر آن را ابراهیم (ع) و قطب فتوت را مرتضی علی می داند. (عیسوی، ۱۳۹۴، ۱۵۹).

در اینجا کاشفی شرحی درباره علت جوانمرد خواندن هر یک از افراد بازگو می کند از جمله اینکه جوانمرد خواندن حضرت ابراهیم علیه السلام به سبب گذشتن او از جان و مال و فرزندانش بود و مال خود را فدای مهمان کرد و بدون مهمانان غذا نمی خورد و فرزند خود را به فرمان دوست قربان کرد و نفس خود را به محبت حق تعالی فدای آتش کرد و امام رضا (ع) فرموده است که فتوت ابراهیم آن بوده است که بتان را شکست و هر که بتان نفس و هوا را بشکند جوانمرد باشد. و دوم یوسف را جوانمرد گفت، به واسطه آنکه گناه برادران را به روی ایشان نیاورد و با آن خواری که با او کرده بودند، گفت: لَا تَثْرِيْبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ: بر شما هیچ سرزنش نیست. از آن خود را در گذرانید و از حق تعالی نیز آمرزش ایشان خواست که: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ...» و به همین ترتیب به یوشع بن نون که طلب علم می کرد و از موسی (ع) چیزی می آموخت و هر که در طلب علم و دانش باشد باید از آرزوهای نفس دست بردارد تا به مطلوب برسد پس هر کی بدین صفت متصف باشد جوانمرد باشد. و چهارم اصحاب کهف را جوانمرد می داند چون که روی به حق آوردند و از اهل و مال و اقارب و احباب پشت کردند و هر که چنین کند و روی به حق آورد جوانمرد بود و سپس متوجه آخرین فرد می شود و موارد متعددی را برمی شمرد و او را پیشوای جوانمردان این امت می خواند که علی (ع) است و او را جوانمرد می خواند برای آنکه در شب غار جان فدای سید مختار کرد: « بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی (ع) در «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر (ص)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است»^۹، و دیگر شب طعام نخورد و به سائل داد که: و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند^{۱۰}، و با وجود احتیاج به طعام، آن را ایثار می فرمود: و آن ها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارانند^{۱۱} و دیگر سر به دشمن بخشید و سخاوتش به حدی بود که در نماز انگشتی به سائل داد: همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند^{۱۲} و شجاعتش تا غایتی بود که از بطنان غیب هائف لاریب گفت^{۱۳} و حقیقت آن است که اقسام جوانمردی منحصر در دو صفت است: یکی نفع به دوستان رسانیدن و آن به سخاوت حاصل شود، و دوم ضرر دشمن از ایشان باز داشتن و آن به شجاعت وجود گیرد...» (کاشفی، ۱۱۳۰، ۱۹ تا ۲۲).

^۹ - وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ

^{۱۰} - وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيْمًا

^{۱۱} - وَ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ

^{۱۲} - وَ يُؤْتِرُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ

^{۱۳} - لَأَفْتِي إِيَّا عَلَىٰ لَا سَيْفٍ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

چنانچه صاحب فتوت و کرامت، حضرت علی (ع) ارکان فتوت را چهار اصل دانسته: ۱- عفو کردن با توانایی، ۲- بردباری در وقت خشم ۳- نیک اندیشی با دشمن ۴- ایثار کردن با وجود احتیاج.

این کمال مطلوب اخلاقی مخصوصاً در طبقات نزدیک به محیط شیعه که غالب مخالفان خلافت عباسیان به نحوی با آن ارتباط داشتند تدریجاً رواج یافت و آنها سیرت و شیوه زندگی علی ابن ابیطالب را به استناد قول معروف لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ نمونه کامل آن شمردند. بدین گونه، مفهوم فتوت اسلامی، با مفهوم مروت عربی که ریشه جاهلی داشت تفاوتش عبارت شد از تفاوت بین کمال مطلوب حیات مدنی با کمال مطلوب زندگی بدوی. از همین رو بود که در سیرت رسول و احوال صحابه نیز که حیات آنها در مقابل زندگی اعراب بدوی تجسم زندگی شهری بود مفهوم فتوت انعکاس داشت. حتی در قرآن از ابراهیم که تمام بت‌های شهر خویش را تباہ کرد به "فتی" و از اصحاب کهف که شهر بت پرستان را ترک کردند به فتیه تعبیر شده است. پایبندی به قول و شرف در معاملات که پشتوانه اخلاقی فعالیت‌های بازرگانی در شهرهاست یک مبنای اخلاقی فتوت شمرده می‌شود و بی‌نیازی از مراجع قدرت که لازمه محترفه شهری و مخالف تعهد و التزام بدوی نسبت به شیخ قبیله بود نیز یک مبنای دیگر آن است و این هر دو حاکی از ارتباط مفهوم فتوت با حیات شهری است. زرین کوب می‌گوید؛ این که علی ابن ابیطالب پسر عم و داماد و خلیفه پیغمبر در رأس مراتب اهل فتوت قرار گرفت و او را شاه مردان خواندند نیز شاید تا حدی بدان جهت بود که در جامعه عربی مدینه و عراق وی اولین کسی بود که در باب موالی که در آن زمان طبقات پیشه‌وران منسوب به آنها بود و مسلمین عرب تقریباً جز جنگ و فتح کار دیگری را مناسب شأن خویش نمی‌دیدند نوعی همدلی و همدردی نشان می‌داد (زرین کوب، ۱۳۹۰، ۳۴۸-۳۴۷).

آیین پهلوانی همواره با آیین جوانمردی توأم بوده است، چرا که فتوت در آغاز آیین مردان جنگاور و سپاهی پیشه بود، با گذشت زمان مجامع جوانمردان در شهرها گسترش یافت. فتوت یکی از خصایص زینبند انسانی است که معانی متعدد دارد در ذیل به چند معنی آن اشاره می‌شود: فتوت یعنی جوانمردی، یعنی کوچک شمردن خویش و بزرگ داشتن حرمت مسلمین، چشم پوشی از لغزش برادران، خوش خلقی و بذل کردن آنچه داری، دیدن نیکی مردم و عیب خویش (عیسوی، ۱۳۹۴، ۱۶۰-۱۵۹).

از آنجا که مفهوم پهلوانی و فتوت ریشه در تاریخ این مرز و بوم دارد، لازم است نشان داده شود که فتوت و پهلوان از یک ریشه بوده‌اند و به شهادت فتوت نامه‌ها، شخص فتی دارای صفات اخلاقی حسنه است از جمله: تقوی، وفا، راستی، امانت، رازداری، یاری درماندگان، تواضع، فداکاری، بی‌نیازی، دوست‌دوست و دشمن‌دشمن بودن، مردمی بودن، شجاعت، سخاوت، عفت، حیا و... چنانچه جوانمردترین عیار آن است که دلیر و مردانه باشد و به هر کاری شکیباً باشد، صادق الوعد و پاک عورت و پاک دل باشد، به کسی زیان نرساند و زیان خویش را از بهر سود دوستان خویش روا دارد، و از اسیران دست بکشد، بر بیچارگان ببخشد، و بدان را از بد کردن باز دارد، راست گوید و راست شنود، داد از تن خود بدهد و بر آن سفره که نان خورده باشد بد نکند، نیکی را با بدی مکافات نکند و از زنان ننگ ندارد (کیکاوس، ۱۳۱۲، ۱۸۱).

پرداختن به آیین فتوت در تربیت بدنی از آنجا ضرورت دارد، که گرویدن به آیین فتوت مستلزم داشتن نیروی بدنی کافی و پرداختن به ورزش‌های جسمانی و آماده شدن برای جنگ و مبارزه بود. کسانی که در آن روزگار بدین آیین

هشتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دودوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

می گرویدند، نیرومند ساختن تن خویش و آماده شدن برای مبارزه و ستیزه را جزء اولین وظایف خود می دانستند. جوانمردان نه تنها می کوشیدند تا خویشان را مردمانی ورزیده و نیرومند بسازند، بلکه در عین حال نیروی ایمان و عقیده داشتن به رهبران و پیران نیز بر دلیری نیرومندی ایشان می افزود (عیسوی، ۱۳۹۴، ۱۶۳).

۴- آیین عیاری در اسلام

مطابق لغت عرب «عیار» یعنی بسیار آمد و شد کننده، تندرو، بسیار گشت و بسیار دونده. در این معنا لفظ عیار با شاطر و شاطری مناسب است. بنا به حدس مرحوم ملک الشعرا یهار - که دکتر خانلری بدان اشاره دارد- این کلمه فارسی و به معنی «یار» است. آنچه در این میان لازم به یادآوری است این است که واژه عیار دو مفهوم کاملاً متضاد دارد. از سویی عیاری به معنای جوانمردی، مروت و شجاعت مورد ستایش عده ای است و از سویی همانند واژه رند، عیاری به معنای دزدی، حيله گری و خیانت، از اعمال ناشایست شمرده می شود (روحانی، ۱۳۷۵، ۷). لازم به ذکر است که آیین جوانمردی یا عیاری، در فرهنگ و تاریخ ایران پیوندی تنگ و ناگسستنی و ساختاری با پهلوان دارد. پهلوان اگر راد و جوانمرد نباشد پهلوان نیست. یکی از ویژگی‌های بنیادین که در اندیشه و منش ایرانی، "پهلوان" را از "قهرمان" جدا می سازد همین است. یکی از آسیب‌های ورزش حرفه ای این است که ورزشکار می کوشد به هر شیوه ای حتی با ترفند و نیرنگ به قهرمانی برسد اما پهلوان هرگز روا نمی دارد که به لغزش، گناه، پلشتی، تباهی، سیاهی دامان بیالاید. (کزازی، ۱۳۸۹: ۴).

البته برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده اند که افسانه‌های عیاری و در رأس آن‌ها داستان سمک عیار وجوه مشترک بسیار با سنن و آداب پهلوانی دارد، به نظر می آید که هر دو منشأ واحدی داشته باشند. چنان که شواهدی که در داستان سمک عیار موجود است، ما را بر آن می دارد که باور کنیم اصل این اثر مربوط به دوره اشکانیان و قبل از دوره اسلامی است. (ارجانی، ۱۳۴۷: ۲۴۵) به هر حال عیاران و شطاران ظاهراً از مبانی جوانمردی پیروی می کردند و به اقتضای خوی جنگی و پهلوانی، اهل کشتی و ورزش بوده اند (عیسوی، ۱۳۹۴، ۱۶۷-۱۶۶). عیاران دارای مرامنامه ای بودند که مواد اصلی آن عبارت است از:

۱- نگهداشتن حق نان و نمک. ۲- آسایش خویش و بلای خلق را روا نداشتن. ۳- با دوست، دوست بودن و با دشمن، دشمنی ورزیدن. ۴- میان جوانمردی و ناجوانمردی فرق گذاشتن. ۵- راستگو بودن. ۶- راز داری کردن. ۷- مراعات عفت. ۸- فداکاری. ۹- بی باکی و دلاوری. ۱۰- بر سر پیمان ایستادن. ۱۱- به شب بیدار ماندن و مردمان را پاسبانی کردن. (عیسوی، ۱۳۹۴، ۱۹۳).

۵- تجلیات و مظاهر منش پهلوانی در عاشورا

امام حسین مانند پدر بزرگوارشان امام علی(ع) الگوی تمام عیاری از پهلوانی و جوانمردی است. بی شک برای ورزشکاران و قهرمانان هیچ الگویی بالاتر از پیغمبر اسلام(ص) و اهل بیت (ع) وجود ندارد. امام حسین سمبل شجاعت و جوانمردی است.

در تمام صحنه‌های نهضت عاشورا در رفتار امام حسین(ع) صداقت و جوان مردی موج می زند. نمونه بارز آن برخورد امام با حر و سپاهیان اوست. حضرت در بخشش زبان زد مردم روزگار بود. شجاعت حضرت در ظهر عاشورا و پس از

هشتمین کنگره اسالمی الگوی اسلامی اسرامی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ها، چالش ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

به شهادت رسیدن تمام یارانش و حمله به سپاه دشمن نمونه ای درخشان از شجاعت و حرکت در راه صراط مستقیم است.

سالار شهیدان وارث حقیقی شجاعت و رشادت پدر بزرگوارش علی علیه السلام بود. او به عنوان پاسدار ارزش های الهی و حافظ سنت های پیامبر صلی الله علیه و آله، برای پیشرفت اهداف والای اسلام از هیچ کوششی فروگذار نکرد. به همین جهت این جمله در میان اندیشمندان اسلامی به زبان ها افتاده است که "الاسلام محمدی الحدوث و حسینی البقاء" یعنی، اسلام را حضرت محمد صلی الله علیه و آله به جهان بشریت عرضه نمود و حسین بن علی علیه السلام با تمام وجود از آن پاسداری و حمایت کرد.

امام در طول زندگی سراسر افتخار خویش، اقتدار و ابهت و قاطعیت را نصب العین خود قرار داده و در مقابل حرکت های تجاوزکارانه با صولت حیدریه و صلابت محمدیه ایستادگی نمود، و قدمی از مواضع حق خود عقب نشینی نمی کرد. در حقیقت شهادت خونین حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و یاران با وفایش موجب شد که غبار جهل و ستم از چهره سنت های حقیقی اسلام زدوده شود و نور درخشان معارف الهی بار دیگر به دل های غفلت زده بتابد.

امام حسین بن علی به نام یک نفر مصلح و به نام یک نفر اصلاح طلب که باید در امت اسلام اصلاح ایجاد کرد، قیام کرد و به مردم عشق و ایده آل داد. رکن اول حماسه زنده شدن یک قوم همین است. ملّتی شخصیت دارد که حس استغناء و بی نیازی در او باشد. اینهاست درس های آموزنده ای که از قیام حسین بن علی باید آموخت. او حس استغناء و بی نیازی به مردم داد. (مطهری، ۱۳۷۰، ۱۷۲).

در نهایت می توان گفت که مفهوم «پهلوانی» مناسب ترین و سازنده ترین مفهوم و وسیله برای تبلیغ جنبه های تربیتی ورزش است. به عبارت دیگر، این واژه جامع ترین و کامل ترین مفهوم برای بیان آرمان تربیت بدنی یا فرد تربیت شده جسمانی است. تقاضاهای اجتماعی امروز نیز به دنبال همین کارکرد از مفهوم قهرمانی و پهلوانی است. در فرهنگ ما، قهرمان و پهلوان، فقط مظهر قدرت بدنی و ورزش نیست؛ مفهوم بازی منصفانه در فرهنگ ملی و دینی پیشینه ای طولانی و عمیق دارد، اعتقاد به پرورش مرد خرد و مرد عمل در ایران باستان موجب شد که هیچ گاه ریاضت یا ورزش گرای محض بر زندگی فردی و اجتماعی ورزشکاران مستولی نشود. در حقیقت پهلوانان، مظهر واقعی شعار پندار نیک و کردار نیک یا بنا بر نظر هرودت، راست گویی (راست کرداری) بودند؛ کسانی که حتی حافظ جان و مال مردم نیز تلقی می شدند. آنان نه فقط در میدان ورزش، منصفانه رقابت می کردند بلکه در عرصه زندگی نیز جوان مرد بودند. معلوم می شود که جوان مردی در ایران، رابطه تنگاتنگی با اخلاق و مذهب دارد، در بسیاری از داستان ها و اشعار می توان پیوند میان ورزش و اخلاق را در ایران مشاهده کرد. (باستانی راد و دیگران، ۱۳۸۶، ۱۶۵). این موضوع در ورزش قهرمانی و حرفه ای نیز مشاهده می شود که یک قهرمان فقط برای پیروزی فردی و کسب مدال برای خود نمی جنگد، بلکه در قالب هویت اجتماعی - مانند وابستگی نژادی، قومی، جغرافیایی، باشگاهی و جز آن - مبارزه می کند. از این رو، کارکرد چنین افرادی از حوزه ورزش فراتر می رود و سایر عرصه های زندگی و اجتماعی را در برمی گیرد. از طرف دیگر و حتی مهم تر از سایر جنبه ها، ریشه پهلوانی در شاهنامه فقط به اندام درشت، تنومندی و رزمجویی محدود نشده است، بلکه از نظر فردوسی، پهلوان باید مرد عمل و مرد خرد باشد. به عبارت دیگر، پهلوان در شاهنامه فقط با نمودهای جسمانی و بدنی مانند دوره های ابتدایی و اولیه معرفی نمی شود و

هشتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

پهلوان باید از زشتی و بی عدالتی دور باشد یا عقلانی و اخلاقی عمل نماید. فردوسی با تحلیل گفتارهای پهلوانان، راز و رمزها و درون مایه های معنوی آنان را به مخاطبان می شناساند (رمضانی نژاد، ۱۳۸۵، ۸۸).

نتیجه:

پهلوانی در سنت ایرانی- اسلامی با ارزش هایی چون: داد، مردمی، راستی، باورمندی به دین، پایبندی به پیمان، جوانمردی، راد مردی، پرهیز از فریب و دروغ، پیراستگی از آز و خودپسندی، بیزاری از ترس و زبونی، میهن دوستی پیوند خورده است. بی تردید در ایران باستان ورزش با مسئولیت اخلاقی همراه و همزاد بوده است. به سخن دیگر تمام کسوت های پهلوانی در ایران بر پایه اصول اخلاقی فتوت بنا نهاده شده است به گونه ای که ایرانیان به نتایج اخلاقی پرورش بدنی توجه داشتند و معتقد بودند که ورزش افزون بر تأمین تندرستی و نیرومندی، باید در پرورش صفات نیک و شجاعت، جوانمردی و تواضع و ظلم ستیزی نیز مؤثر باشد. پهلوان در ایران باستان معمولاً با نیروهای فراطبیعی و جریان های جادویی و توضیح ناپذیر و غیر روزمره پیوند خورده است. او ارتباطی نزدیک و ویژه با نیروهای قدسی و عناصر دینی پیدا می کند و به نوعی اتصال کوتاه با خدایان دست می یابد.

علاوه بر ویژگیهایی که ذکر شد، در اسلام مهمترین صفات قهرمان با ایمان، تقوا و پرهیزکاری است. در واقع پهلوان کسی است که علاوه بر نیرومندی و داشتن قوای جسمانی فوق العاده که با بهره گرفتن از توان معنوی در جریان سلوک درونی؛ خود را از چنبره تعلقات دنیوی و هوای جسمانی برهاند تا به تولدی دوباره دست یابد و به مقام دل منزلت جوانی دست یابد. چه بسا ورزشکاران و استادانی که از نظر نیرومندی تن سرآمد بوده اند ولی نتوانسته اند به درجه کمال معنوی و جوانمردی برسند و به کسب مقام پهلوانی مفتخر گردند. بنا بر این، پهلوان به دلیل پایداری اش در رعایت اصولی خاص و سرسختی خویش برای وفاداری به چارچوبی اخلاقی، از آدمیان معمولی متمایز است این الگو به لحاظ تاریخی از چنان قوت، گستردگی و شفافیت برخوردار است که نه تنها برای هر ایرانی بلکه برای جهانیان درس آموز و قابل استفاده است. تنها ضعفی که در این زمینه وجود دارد، مطالعه در سنت های ایرانی- اسلامی و استخراج این الگوها و معرفی آنها به کسانی است که باید خود را با این الگوها وفق دهند که امید است این پژوهش تا حدی از عهده این نیاز برآمده باشد.

منابع

۱. احمدی، زهرا؛ فرامرزنسب، رضا (۱۳۹۵). ویژگی پهلوانان در شاهنامه فردوسی، مجله مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره ۲ - شماره ۲/۳، از صفحه ۴۵-۵۸.
۲. اکبرپور، علی (۱۳۹۶). اشکانیان سرچشمه آیین پهلوانان. ماهنامه تاریخ نگار، شماره ۱۲، از صفحه ۲۰ تا ۳۱.
۳. البرز، پرویز (۱۳۶۹). شکوه شاهنامه در آیین تربیت و اخلاق پهلوانان. دانشگاه الزهراء، مؤسسه انتشارات بهینه.
۴. باستانی راد، حسن؛ حسینی، سیدامیر؛ صیرفی، هایده (۱۳۸۶). تاریخ نامه ورزش ایران زمین، تهران، انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران.
۵. بلوکباشی، علی (۱۳۶۷). پهلوان؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران. مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۴، صفحه ۷۲ تا ۷۸.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۶. بهار، مهرداد (مهر ۱۳۶۰). ورزش های باستانی ایران و ریشه های تاریخی آن، مجله چیستا، شماره ۲، از صفحه ۱۴۰ تا ۱۵۹.
۷. بیژن، اسدالله (۱۳۵۰). سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، انتشارات ابن سینا، چاپ دوم.
۸. حکمت، علیرضا (۱۳۵۰). آموزش و پرورش در ایران باستان، تهران، چاپ اول، مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی.
۹. دوستخواه، جلیل (۱۳۷۱). اوستا، تهران، چاپ اول، انتشارات مروارید.
۱۰. دهخدا. علی اکبر، لغتنامه علامه (فرهنگ فارسی).
۱۱. رضانی نژاد، رحیم و دیگران (۱۳۸۵). مقایسه صفات اصلی پهلوانی در شاهنامه، فصلنامه المپیک، سال چهاردهم، شماره ۴، از صفحه ۸۳ تا ۹۰.
۱۲. روحانی رانکوهی، ریحانه (۱۳۷۵). پایان نامه: آیین جوانمردی، دانشگاه یزد دانشکده ادبیات فارسی.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۰). جستجو در تصوف ایران، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۴. عیسوی، روزان (۱۳۹۴). ورزش های رزمی و بزمی در ایران از دیرینه ترین ایام، تهران، اساطیر پارسی: چاپار.
۱۵. کارگر، علی (۱۳۹۱). نقدی بر جو اخلاقی حاکم بر ورزش کشور و ارائه الگوی مطلوب اخلاقی در جامعه اسلامی، میان رشته ای: مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۸۵، از صفحه ۲۸۱ تا ۳۳۴.
۱۶. کاشفی سبزواری، ملاحسین واعظ (۱۳۵۰). فتوتنامه سلطانی، (به اهتمام دکتر محمدجعفر محجوب). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۷. کیکاووس، امیر عنصرالمعالی (۱۳۱۲). قابوس نامه، (به اهتمام سعید نفیسی). تهران: مطبعه مجلس.
۱۸. مشکور، محمدجواد؛ رجب نیا، مسعود (۱۳۷۴). تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان، پارتیان (پارسیان)-پهلوانان قدیم، تهران، انتشارات آشنا.
۱۹. ورمازرن، مارتن (۱۳۷۲). آئین میترا. نادرزاد، بزرگ. تهران، چاپ اول. نشر چشمه.
۲۰. وکیلی، شروین (۱۳۸۹). اسطوره شناسی پهلوانان ایرانی، تهران، چاپ نخست، انتشارات پازینه.
۲۱. هراتی کته لوک، زهرا (۱۳۹۶) پایان نامه: ویژگی های انسان کامل در شاهنامه فردوسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). حماسه حسینی. تهران، ناشر: انتشارات صدرا.